

شهر؛ مکانِ مطلوبِ تمدن‌سازی در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی

نوراله قیصری¹

چکیده

گرچه پیشرفت ابعاد نظری گسترده‌ای دارد، اما آنچه آن را الگووار می‌سازد، تجسم عینی پیشرفت در امور و دست‌آفریدها و سازه‌های انسانی است. تمدن مفهومی انتزاعی است، اما شاخص‌های آن عینی است. شهرها، ماهیت، شاکله و ساختارهای حاکم بر زیست فردی و اجتماعی آن، از نشانه‌های اساسی و مکان‌ظهور و شکوفایی تمدن به شمار می‌روند. هدف این پژوهش، نشان‌دادن اهمیت و جایگاه شهر به‌عنوان مکان مطلوب در اجرای ایده‌های الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی است. پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه چرا شهر سازه مطلوب اجرای ایده‌های پیشرفت تمدنی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است؟ روش پژوهش از نوع کیفی - تفسیری است. نتایج حاصل از پژوهش این است که علاوه بر تجربه زیسته بشر در تمدن‌سازی، آموزه‌های اسلامی در تجربه شهرسازی در جهان اسلام و ایران، ویژگی‌ها، کارکردها و نقش شهرها در عینیت‌بخشی به ایده‌های مرتبط با وضع مطلوب حیات فردی و اجتماعی نیز شهر را به مکان مطلوب تحقق ایده‌های پیشرفت در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی بدل ساخته است. طراحی الگویی برای پیشرفت تمدنی بدون توجه به مکان اجرای آن یعنی شهر، الگوی طراحی شده را به مجموعه‌ای از ایده‌های انتزاعی بدل خواهد ساخت و بی‌توجهی به الگوی پیشرفت تمدنی و الزامها و لوازم آن، ناسازواری و فقدان جامعیت در برنامه‌های کلان ملی پیشرفت را به همراه خواهد داشت و بر پیچیدگی و معضلات کنونی در مسیر پیشرفت و توسعه خواهد افزود. این مقاله تلاشی برای برجسته‌سازی جایگاه شهر در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی است.

واژگان کلیدی: شهر، شهر اسلامی، پیشرفت، پیشرفت تمدنی، الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی.

1. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران / ngheisari@ut.ac.ir

1. مقدمه و بیان مسئله

در شرایط کنونی گرایش به پیشرفت به ارزشی جهانی تبدیل شده است. سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و دیگر مؤسسه‌های پژوهشی با دقت و وسواس، روند پیشرفت کشورها را رصد می‌کنند و برای سنجش سطح و اندازه آن شاخص‌های دقیقی را تعیین کرده‌اند. رقابت برای پیشرفت در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی میان دولت‌ها و حتی میان تمدن‌ها بیش از هر زمان دیگری ادامه دارد و حتی ابعاد هویتی، ایدئولوژیک و گاه خصومت‌آمیز نیز یافته است. در این وضعیت، بیشتر دولت‌های جهان به صورت هدفمند و بر اساس ایده‌ها و آرمان‌های از پیش تعیین شده، الگوهای کلان ملی را برای پیشرفت و ارتقای موقعیت خود طراحی کرده‌اند و به اجرا گذاشته‌اند.

در ایران با پیروزی انقلاب اسلامی و پایان جنگ تحمیلی، فرایند پیشرفت الگووار در کشور آغاز شد. تدوین و اجرای «برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی» و تدوین «سند چشم‌انداز ایران 1404» و تصویب و ابلاغ «سیاست‌های کلی نظام» در موضوعات متنوع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انتشار متن «الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت»، بخش‌هایی از مراحل و فرایند پیشرفت الگویی در جهت تحقق اهداف و آرمان‌ها و غایات انقلاب اسلامی و معضلات عمومی جامعه و کشور در چهار دهه گذشته بوده است. به تازگی با انتشار «بیانیه گام دوم انقلاب» و ورود به دومین مرحله «خودسازی»، «جامعه‌پردازی» و «تمدن‌سازی»، تلاش‌های برنامه‌ریزی شده برای پیشرفت وارد مرحله نوین دیگری از مراحل «پیشرفت تمدنی» شده است.

از الزام‌های الگوی پیشرفت تمدنی این است که علاوه بر نظامی از ایده‌های مشخص و طرح‌واره‌ای منسجم و قابل اجرا در مورد پیشرفت و ویژگی‌های تمدنی که در فرایند پیشرفت ساخته خواهد شد و وضعیت پیشرفت با آن قابل شناسایی می‌شود، به‌ناچار نیازمند مکانی برای واقعیت‌یابی ایده‌ها و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مرتبط نیز است. اندیشیدن به مکان اجرا، ویژگی‌ها ظرفیت، استعداد و محدودیت‌های آن در هریک از مراحل ایده‌پردازی و اجرای ایده‌ها و طرح‌واره‌های مرتبط با پیشرفت، به اندازه خود ایده‌های پیشرفت حائز اهمیت است.

بررسی متون برنامه‌های پیشرفت طراحی و ابلاغ شده نشان می‌دهد تمرکز و تلاش اصلی بر ایده‌پردازی، طراحی و تدوین راهبردهای اجرا و به‌عمل‌درآوردن ایده‌ها بوده است و به محل و مکان مطلوب به‌اجرا گذاشتن آن‌ها توجهی نشده است؛ درحالی‌که هیچ‌الگو و برنامه‌ای در خلأ انجام

نمی‌پذیرد و باید مکانی برای اجرا و تحقق آن در نظر گرفته شود. علاوه بر این، مکان انتخاب‌شده باید به گونه‌ای باشد که ویژگی‌های آن ظرفیت و امکانات لازم اجرا و واقعی‌سازی ایده‌ها را در اختیار بگذارد. این ضرورت برای الگوهای کلان درازمدت در سطح ملی ضرورت بیشتری دارد. اجرای الگوی پیشرفت تمدنی در مرحله نوین آن در نظام جمهوری اسلامی نیز همانند هر الگوی پیشرفت دیگری، الزام‌هایی دارد که از جمله، ترسیم مختصات و ویژگی‌های مکانی است که هم زمینه‌ساز تحقق و هم نشانگر هویت تمدنی مطلوب در الگوی پیشرفت باشد. پیش از هر اقدامی در این مورد، ابتدا باید به مکان و محیط اجرا و تحقق آن و ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و الزام‌هایی که مختصات این مکان و محیط دارد، توجه شود و سپس برای طراحی الگوی مطلوب پیشرفت اقدام شود.

این مقاله تلاشی است برای بازنمایی یکی از الزام‌های اجرای این الگو از پیشرفت تمدنی؛ یعنی معرفی مکان مطلوب برای تحقق و اجرای ایده و طرح‌واره آن.

2. هدف و پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی این مقاله این است که طراحی و اجرای الگوی پیشرفت تمدنی کشور، در چه مکانی و با چه ویژگی‌ها و مختصاتی امکان‌پذیر است؟

برای پاسخ به پرسش اصلی، طرح چند پرسش فرعی و پاسخ به آن‌ها در این مقوله ضروری است. طرح پرسش‌های فرعی از این جهت ضروری است که پاسخ به این پرسش‌ها هرکدام بعدی از پاسخ به پرسش اصلی و فرضیه اصلی پژوهش را بازنمایی می‌کنند. مهم‌ترین این پرسش‌ها که هرکدام ناظر بر بعدی از ابعاد اهمیت و جایگاه شهر به‌عنوان مکان مطلوب تمدن‌سازی هستند، عبارتند از:

1. پیدایش شهرها چه نسبتی با پیدایش تمدن‌ها دارند؟ آیا سابقه پیدایش شهرها اهمیت و جایگاه شهر در تمدن‌سازی را بازنمایی می‌کند؟
2. با توجه به وجوه آرمانی ایده پیشرفت، آیا در منابع اسلامی مستندات بر اهمیت و جایگاه شهر به‌عنوان مکان مطلوب تمدن‌سازی وجود دارد؟
3. آیا فرایند تحولات زیستی بشر به سوی سکونتگاهی غیر از شهر است یا اینکه شهری‌شدن، فرایند مسلط این تحولات در فرایند پیشرفت تمدنی است؟
4. آیا از میان سکونتگاه‌های تجربه‌شده انسانی، سازه‌ای غیر از شهر ظرفیت و امکانات لازم را برای تمدن‌سازی و شکوفایی تمدن از جمله جمعیت انبوه، تولید و تراکم ثروت، دانش، علم و فناوری دارد؟

5. آیا تجربه زیسته تمدن‌سازی در ایران چیزی غیر از شهر را به نمایش می‌گذارد؟ بر اساس این پرسش‌ها فرضیه اصلی مقاله چنین است: بر مبنای تجربه تمدن‌سازی انسانی، آموزه‌های اسلامی و مختصات و ویژگی‌های شهر، این سازه تمدنی مکان مطلوب اجرا و تحقق الگوی پیشرفت تمدن ایرانی اسلامی است و در هرگونه طراحی و اجرای برنامه‌های مرتبط با پیشرفت، توجه به این سازه و ویژگی‌های آن ضروری است.

3. پیشینه پژوهش

در موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت علاوه بر انتشار فصلنامه و تأسیس مرکزی در تهران با دبیرخانه حوزوی در قم که اختصاص به تبیین این موضوع دارد، کنفرانس‌ها و همایش‌های متعدد برای تبیین موضوع در ابعاد مختلف آن برگزار شده است. در ادامه، برخی از تک‌نگاشت‌هایی که مباحث آن‌ها تا حدودی مرتبط با موضوع این مقاله است، بررسی می‌شود.

بهمن در مقاله «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» تلاش کرده است تا ارکان تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از دیدگاه رهبر انقلاب را با روش تحلیل گفتمان در هفت مقوله توحید، معاد، پیوستگی دنیا و آخرت، انسان‌شناسی اسلام، حکومت، عدالت و نگرش غیرمادی به اقتصاد تدوین کند (بهمن، 1397: 30). الزام‌های اجرا و تحقق این الگو در این مقاله بحث نشده است. مختاریان در مقاله «مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» می‌کوشد تا الگوی فرایند طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را مورد بحث و بررسی قرار دهد (مختاریان، 1395: 19). در این مقاله نیز الزام‌های اجرایی این الگو مورد بحث قرار نگرفته است.

جوهری و همکاران در مقاله «نقش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در تقویت پیوندهای روستایی - شهری؛ مطالعه موردی شهرستان شهرضا» با رویکرد نقش «واقعیت‌های نوظهور جهانی - محلی» در «یکپارچگی و هماهنگی عرصه‌های شهری - روستایی» و الزام‌های «تعدیل فقر»، «بهبود سطح درآمد»، و «توسعه پایدار مناطق»، ارتباط و پیوستگی روستا و شهر را بر اساس نظریه‌های موجود مورد بحث قرار داده‌اند و در طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر نظر داشت به «شرایط و مقتضیات روستاها» و «نیازهای روستاییان» به صورت «زیرمجموعه‌ای از مجموعه ملی» تأکید کرده‌اند (جوهری و همکاران، 1396: 65 و 67). عبدالجلیل شریفی و همکاران نیز در مقاله «جایگاه مدیریت شهری در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، به بررسی الگوی مدیریت سنتی در شهرهای اسلامی پرداخته و با بررسی سیر

تاریخی، تحول آن را تا مشروطیت و پس از آن نشان داده‌اند و برای برنامه‌های جدید در طراحی شهرها نکاتی را متناسب با فرهنگ و آموزه‌های اسلامی و الزام‌های آن همانند تأسیس امکان مذهبی و توجه به محیط زیست، حفظ حریم، رفاه، امنیت و غیره یادآور شده‌اند (شریفی و همکاران، 1396: 128-132).

سرانجام، نقی‌زاده در مقاله «تبیین جایگاه علوم انسانی اسلامی در ترسیم فضای شهری متناسب با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، با بررسی تأثیر «جهانبینی» و «فرهنگ» بر شکل‌گیری شهر اسلامی و توجه به آن در نوآوری‌ها و دیگر تأسیسات، با رجوع به قرآن کریم و دیگر منابع تلاش کرده است تا با ارائه مدلی مفهومی، ساختار شکل‌گیری شهر اسلامی را ترسیم کند. این مدل بر اساس توجه به شرایط زمانی (تاریخی)، فرهنگی، اقتصادی و فنی، و محیطی و متأثر از آموزه‌های وحیانی به تبیین تجلیات و مصادیق شهرهای اسلامی و چگونگی پیدایش آن شهرها پرداخته است (نقی‌زاده، 1394: 515 و 536). این نوشته‌ها اگرچه حاوی نکات مرتبط و مفید در تبیین ابعاد و وجوهی از الگوی پیشرفت و مسائل مرتبط با آن است، اما این نوشته در تبیین ضرورت توجه به موضوعی اساسی در طراحی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی یعنی مکان تحقق این برنامه که شهر است، تدوین شده است.

4. تعریف مفاهیم

4-1. پیشرفت

پیشرفت در فرهنگ‌های لغت زبان فارسی به معنی پیش‌رفتن، ترقی، رشد، «حرکت و جنبش به سوی یک هدف یا مقصد» و «بهبودی تدریجی» معنی شده است و در کاربردهای عمومی آن با واژگانِ تعالی، ترفیع، توسعه، بهبود و رشد مترادف است. در انگلیسی پیشرفت معادل Progress و دارای اصالت لاتینی است که از دو واژه pro و Gradi به معنی «گام برداشتن به سوی» است و از جمله موضوعاتی است که به‌طور کلی برای انسان شوق‌انگیز است. در دنیای کنونی، تمایل به تغییر یا بهبود وضعیت و غلبه بر معضلات در رفع نیازها و دستیابی به آرزوها و آرمان‌ها هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی، پدیده‌ای فراگیر است؛ از این رو پیشرفت را می‌توان فرایند تلاش دائمی انسان برای بهبود وضعیت خود تا دستیابی به آرزوها و آرمان‌ها و رفع نیازها تعریف کرد.

4-2. الگو

الگو یا مدل که در زبان فارسی به معنای «نمونه»، «مثال»، «سرمشق» و «نقشه» به کار رفته است، در عمل معنای ثابتی ندارد و مطابق با نیت و مراد گوینده یا نویسنده و شرایط و موقعیت، به مصادیق مختلفی اشاره دارد. الگو در کاربرد، گاهی به اشیا یا کالا و محصول ناظر است، مانند نمونه کوچک ساخته شده از چیزی مانند لباس، ماشین، کشتی یا هواپیما یا ساختمان فرودگاه، محله یا حتی شهر. گاهی به مجموعه‌ای از اقدامات به هم پیوسته‌ای ناظر است که برای انجام کنش یا رسیدن به مقصد و هدف نیاز است و می‌توان با رعایت آن، کنش مورد نظر را تکرار کرد یا به مقصد و هدف مشابه آن رسید که در این صورت به آن «الگوی عمل» گفته می‌شود.

گاهی الگو ناظر بر نظامی از پیش فرض‌ها، داده‌ها و دریافته‌های ذهنی از چیزی، امری یا وضعیتی است که ریاضی‌گونه بیان می‌شود. در اینجا با الگوی انتزاعی از واقعیت که ماهیت ذهنی دارد، سروکار داریم. کارکرد این گونه از الگو، ساده‌سازی شناخت است. در این صورت، الگو بیان ساده از موجودیت‌ها یا امور پیچیده واقعی است که یا مستقل این وظیفه را دارد و یا به مثابه میانجی و واسطه میان داده‌ها یا امر واقعی و نظریه مرتبط با آن، نقش ایفا می‌کند (گلدفارب و پتتر، 2008: 103). در مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، این تعریف از الگو ارائه شده است: «الگو به مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه و قوانین گفته می‌شود که در ساختاری منطقی برای توضیح و تفسیر سیستمی از موجودات تکوینی، پدیده‌ها، روش‌ها، فرایندها، تئوری‌ها و نظریه‌ها ارائه می‌شود» (میرمعزی، 1393/4/6).

در ابتدای طرح مباحث مربوط به الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی، «الگو» به مثابه «نقشه جامع» که «به ما می‌گوید به کدام طرف، به کدام سمت، برای کدام هدف داریم حرکت می‌کنیم» تعریف شده است (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات 98/09/10). در این صورت، الگو، طرح و نقشه اقداماتی خواهد بود که لازم است برای رسیدن به هدف معین و در جهت مشخص انجام شوند. با توجه به نکات مطرح شده، در اینجا متناسب با موضوع بحث می‌توان الگو را مجموعه اقداماتی دانست که به صورت هدفمند (توسط دولت‌ها) برای رسیدن به اهدافی در سطح ملی در قالب برنامه‌های زمان‌بندی شده با هزینه‌های از قبل پیش‌بینی شده، طراحی و به اجرا گذاشته می‌شود. چنین اقداماتی اگر بر اساس آموزه‌های اسلامی و منطبق با شرایط، محیط و جغرافیا، فرهنگ، هنر، استعداد و ظرفیت و خلاقیت و مدیریت ایرانیان، برای بهبود شرایط حیات فردی و جمعی و ارتقای موقعیت جهانی کشور و تحقق

آرمان‌های جمعی باشد، و در نهایت به پیدایش تمدن نوین اسلامی منتهی شود، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نامیده می‌شود.

3-4. شهر

با وجود قدمتی که شهرها در تاریخ و تمدن انسان دارند، بر سر تعریف شهر و مختصات آن توافق وجود ندارد. جغرافیا، جمعیت، اقتصاد، قدرت و سیاست ضابطه‌هایی است که شهر بر اساس آن‌ها تعریف شده است. اساساً تعریف شهر و تعیین ویژگی‌های دقیق آن در سیاست‌گذاری‌های عمومی، با آغاز روند پیشرفت الگووار فراگیر ملی همراه است. دولت فرانسه در 1846 ضابطه دوهزار جمعیت را برای شهر در نظر گرفت که توسط بیشتر کشورهای اروپایی و برخی سازمان‌های بین‌المللی پذیرفته شد، اما پذیرش جهانی نیافت. از آن زمان، کشورها با توجه به وضعیت و شرایط خود، یک یا چند ویژگی را بر دیگر ویژگی‌ها در تعریف شهر و تمایز آن با دیگر مکان‌ها برتری داده‌اند (ادیبی، 1355: 22-23).

در میان سازمان‌های بین‌المللی، سازمان ملل متحد شهر را با توجه به سه معیار از دیگر سکونتگاه‌ها و اماکن متمایز کرده است. نخست تعریف شهر و تعیین محدوده جغرافیایی آن بر اساس ضابطه اداری¹ است. دیگری تعریف شهر بر اساس مناطق پیوسته به آن²، و معیار سوم تعریف شهر بر اساس مرزهای اقتصادی و اجتماعی آن است. در این تعریف، شهر شامل تمام مناطقی می‌شود که نزدیک به هم هستند و تعاملات اقتصادی و اجتماعی دارند³ (روشه، 2014: 1).

در ایران مطابق با قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب جمهوری اسلامی ایران، شهر چنین تعریف شده است: «محلی با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی بخش واقع شده است و از نظر بافت ساختمانی، اشتغال و سایر عوامل، دارای سیمایی با ویژگی‌های خاص خود است؛ به طوری که بیشتر ساکنان دائمی آن در مشاغل کسب، تجارت، صنعت، کشاورزی، خدمات و فعالیت‌های اداری اشتغال دارند و در زمینه خدمات شهری از خودکفایی نسبی برخوردار و کانون مبادلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حوزه جذب و نفوذ پیرامون خود بوده و حداقل دارای ده هزار نفر جمعیت باشد» (قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب 1362/04/15). در این تعاریف، ضابطه‌های «جمعیت، برخورداری از موقعیت کانونی در پیرامون خود در مبادله‌های اجتماعی، اقتصادی،

1. City Proper
2. Urban Agglomeration
3. Metropolitan Area

شهر؛ مکانِ مطلوبِ تمدن‌سازی در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی

فرهنگی و سیاسی؛ اشتغال اکثریت ساکنان دائمی به تجارت، صنعت، کشاورزی، خدمات و فعالیت‌های اداری؛ برخورداری از بافت ساختمانی و سیمای خاص» مبنای تمایز شهر از دیگر مکان‌ها تعیین شده است. چنین تعاریفی از شهر و مؤلفه‌های آن همانند سایر تعاریف رایج از شهر، توجهی به عنصر مهم «جهانبینی» و «نظام اعتقادی» و عناصر هویتی فردی و جمعی و نقش آن در تعریف محیط زیست انسانی ندارند. همچنین به انسان و هویت او و مختصات حیات فردی و جمعی در محیط شهر توجه نشده است و انسان را تنها به عدد و کمیّت یعنی جمعیت و دیگر مقادیر قابل‌سنجش همانند درآمد و تولید و مصرف تقلیل می‌دهد (نقی‌زاده، 1381: 65-62). به عبارتی عناصر هویتی و سازه شهر و کیفیتی که امور شهر لازم داشته باشد، در این تعاریف کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

فقدان تعریف وفاقی دلایل مختلفی دارد که پیچیدگی پدیده شهر از جمله آن‌هاست؛ از این‌رو متناسب با نیازهای مفهومی یا کارکردی، تعریفی از این موجودیت ارائه شده است. در اینجا نیز متناسب با نیاز مفهومی پژوهش، بر اساس چند ویژگی مشهود، تعریفی از شهر ارائه می‌شود: سکونتگاهی از انسان‌ها که جمعیت آن به نسبت دیگر سکونتگاه‌های اطراف آن به شکل قابل‌توجهی بیشتر است و بخش عمده‌ای از این جمعیت به صورت پایدار در آن ساکن‌اند و عمدتاً به تجارت، صنعت و خدمات اشتغال دارند. اماکن و آثار در این سکونتگاه دارای نشانه‌های تمدنی، هویتی، زیبایی‌شناسی، فرهنگی، اجتماعی، قدرت و سیاست، نظم و قانون، نظام اعتقادات، رفاه و تشخیص هستند و از دیگر مکان‌های مشابه متمایزند. ارتباطات درونی و بیرونی این سکونتگاه پیچیده و نسبتاً پویاست و وابستگی متقابل میان آن و اجزا و عناصرش با دیگر سکونتگاه‌ها به‌ویژه سکونتگاه‌های اطراف، در ابعاد مختلف حیات اجتماعی وجود دارد؛ باین‌حال برای تعریف تبیین اهمیت و جایگاه شهر در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، تعریف نوعی از شهر برای مقصود کفایت نمی‌کند و لازم است شهر و جایگاه آن بر اساس معیارها و ضوابط پیشرفت تمدنی در نظام جمهوری اسلامی تعریف شود. در قسمت نتایج و پس از مشخص شدن ابعاد مختلف موضوع، تعریف مصداقی مورد نظر در این زمینه ارائه خواهد شد.

5. روش پژوهش

داده‌های این پژوهش با روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و تحلیل متن و تفسیر و تحلیل داده‌ها با روش کیفی صورت گرفته است.

6. یافته‌های تحقیق

ذیل عنوان یافته‌های تحقیق به پرسش‌های مطرح‌شده پرداخته می‌شود.

6-1. شهر و پیشرفت تمدنی

در بیان اهمیت شهر در فرایند پیشرفت و تحول اجتماعی آن می‌توان گفت تجربه زیسته بشر، تحول از شهر به سازه اجتماعی دیگری را نشان نمی‌دهد. کشورها یا دولت‌ها و دیگر موجودیت‌های عمدتاً سیاسی مانند اتحادیه‌ها در قیاس با شهرها موجوداتی انتزاعی‌اند. آنچه موجودیت واقعی دارد، انسان و مکان‌های زیست او روی زمین است. کشورها ترکیبی از همین مکان‌های زیست و جغرافیای آن و انسان‌هایی است که در آن زیست می‌کنند و تأسیساتی است که در آن‌ها یا به کمک آن‌ها، زیست فردی و جمعی خود را ممکن می‌سازند. اتحادیه‌ها نیز ترکیبی از همین کشورها با نهادها و سازمان‌هایی فراتر از سطح دولت‌ها هستند. آنچه واقعی است این است که در محدوده کشورها و حتی اتحادیه‌ها، هیچ سازه و سکونتگاهی اهمیت و منزلت شهرها را ندارد. بررسی‌های تاریخی پژوهشگران از حیات تمدنی بشر نشان می‌دهد اگرچه زیست جمعی بشری مکان‌ها و اشکال متنوعی داشته است، اما فرایند تمدن با زندگی شهری همراه بوده است (کاکس، 2005: 4).

تجربه تاریخی بشر نشان می‌دهد در نخستین مکان‌های پیدایش تمدن، اگرچه تمدن‌های این ناحیه در قیاس با تمدن‌های بعدی از نظر گستره محدود بوده‌اند، اما همگی بر محور شهر شکل گرفته‌اند. این تمدن‌ها حاصل وقوع تحول در برخی روستاهای این منطقه بوده است که از قابلیت‌های خاصی همچون نزدیکی به مناطق کشاورزی، واقع‌شدن در مسیرهای تجاری، قابل‌دفاع‌بودن در برابر حمله‌های خارجی، نزدیکی به مراکز و اماکن مذهبی، و داشتن مراکز تولید و مبادله برخوردار بوده است و بر اثر تغییری اندک، به شهرهایی تبدیل شده‌اند که ماهیت تمدنی یافته است (یوفی، 2004: 232). از مهم‌ترین شهرهای این ناحیه اوروک¹ است که «مادرشهر» تمدن سومر نامیده شده است و نخستین منطقه در جهان است که «عناصر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فناورانه‌ای که به تمدن بین‌النهرین برای بیش از 3000 سال هویت بخشید» در آن ظاهر شده است (راینسون، 2019). نخستین بار خط در این شهر اختراع شد. ظروف، خشت، مجسمه و دیگر صنایع دستی و سیستم آبیاری پیشرفته از اختراعات و

1. Uruk

ابداعات تمدنی در این شهر است (Captivating History, 20018: S.4; اوروک: پاراگراف 3). اگرچه تغییراتی که تحول از روستا را به شهر رقم زده، متنوع است اما انگیزه و تمایل به گذر از روستا به شهر نیز حائز اهمیت بوده و هست. ابن خلدون اندیشمند مسلمان، پیدایش شهرها را از «انگیزه‌ها و تمایلات شهرنشینی» می‌داند که پس از «مرحله بادیه‌نشینی و انگیزه‌ها و تمایلات» آن به وقوع می‌پیوندد. از دیدگاه او «بنیان‌نهادن شهرهای بزرگ جز به نیروی دولت» امکان نمی‌یابد و معتقد است «شهرها جایگاه‌های اقامت و قرارگاه‌هایی است که ملت‌ها آن‌ها را پس از رسیدن به کمال مطلوب و توانگری و تجمل و انگیزه‌های آن‌ها برمی‌گزینند و به آرامش و سکونت (کوچ‌نکردن از این سوی بدان سوی) می‌گریند» (ابن خلدون، 1390: 11 و 18). علاوه بر نیروی دولت، دانش و فناوری، جمعیت نسبتاً انبوه، ثروت و فراوانی غذا و امنیت، وجود ایده یا طرح‌واره‌ای ذهنی از وضعیت آرمانی برای زیست مطلوب انسان نیز از دیگر شروط لازم برای حیات تمدنی شهری است (مظفری، 2002: 27-26; کاکس، 2002: 4; جنتا و ریبری، 2019: XVI; نصر، 2007: 30).

6-2. جایگاه تمدنی شهر در منابع اسلامی

برای مسلمانان منبع اصلی جهان‌بینی و هویت و جواز هرگونه اقدام فردی و مدنی، دین مبین اسلام است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ؛ در حقیقت دین نزد خدا همان اسلام است» (آل عمران: 19). «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ و هر که جز اسلام دینی [دیگر] جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است» (آل عمران: 85)؛ بنابراین در تأسیس یا بازسازی و نوسازی مکان زیست فردی و جمعی، دیدگاه اسلام حائز اهمیت است.

آموزه‌های اسلامی، اسلام را دینی مدنی معرفی می‌کند. «معروف است که اسلام دین شهرها است» (شفقی، 1378: 230). با ظهور اسلام تحولی اساسی در نگرش الهی به مدنیت، سیاست و حکومت و تمدن‌سازی رخ داد. پیامبر اسلام (ص) پس از استقرار در مدینه، نام این شهر را از «یثرب (فساد و تباهی)» به «مدینه (پاک و طیب)» تغییر داد و این نشانه و سرآغاز تحول از نظام اجتماعی قبیلگی به نظام اجتماعی مدنی و پیدایش مفهوم شهروندی اسلام اسلامی شد. به جای تحقیر شهرنشینی که عادت اعراب بدوی بود، هجرت به شهر و سکونت در شهر ارزش پیدا کرد و بازگشت به بادیه مذموم شد. از این پس به جای قبیله که رکن اصلی حیات اجتماعی و هویت فردی و جمعی بود (جمشیدی‌ها و زائری، 1387: 16)، و به جای نام قبایل در هویت‌شناسی، شهر رکن اصلی هویت و نام آن بیانگر

هویت و تمایز ساکنان آن از دیگر اجتماعات شد. «اهل مدینه» جایگزین نام قبیله‌های آن شد و الگوی مدیریت و سیاست پیامبر، بر محور شهر و بیعت و مشارکت همگانی استوار شد (ساربانقلی، 1390: 12، 13، 15؛ ساربانقلی، 1388: 132)؛ بنابراین در سیره و سنت رسول اکرم (ص)، اساساً سکونتگاه شهر بر دیگر اشکال آن از جمله بادیه‌نشینی برتری دارد. از این پس شهرها از سوی مسلمانان و حکومت‌ها مورد توجه قرار گرفتند و انواع و گونه‌های متعددی از آن ساخته یا بازسازی شد.

بسیم اس حکیم از پژوهشگران شهر در جهان اسلامی، از سه گونه شهر اسلامی نام می‌برد: 1) شهر طراحی شده از قبل همانند بغداد؛ 2) شهرهای نوسازی‌شده ماقبل اسلامی همانند آلیو؛ 3) شهرهای ارگانیک با رشد طبیعی. اکبر جمال و استفانو بیانکا نیز از دو گونه شهر در تمدن اسلامی یاد می‌کنند: شهرهایی که به صورت طبیعی پیدا شده و رشد و گسترشی ارگانیک داشته‌اند و شهرهایی که بر اساس مقاصد خاص نظامی (کوفه) یا سیاسی همانند بغداد تأسیس شده‌اند (فلاح، 1385: 29-28).

رابینسون، از موصل که بنیادی ساسانی دارد و در زمان مروانیان بازسازی شده و ماهیتی نظامی - سیاسی پیدا کرده است، نام می‌برد (رابینسون، 2006: 63). با وجود این، در مطالعات مرتبط با «شهر اسلامی»، در تعریف ویژگی‌های آن بیشتر به تبیین آنچه هست اکتفا شده است تا آنچه باید باشد. در این پژوهش‌ها ویژگی‌های شهر اسلامی با ارجاع به ویژگی‌های عینی آن همانند اماکن، راه‌های ارتباطی، منازل و مکان‌های عمومی و غیره تعریف شده است. اگرچه هریک از پژوهشگران از سنت و رهیافت خاص خود بهره گرفته‌اند ولی نزاع بر سر تدقیق «آنچه هست» بوده، نه آنچه باید باشد (فلاح، 1385: 27).

علاوه بر جایگاه سیره و سنت رسول اکرم در نظام معتقدات مسلمانان، در قرآن کریم از شهر به‌عنوان مکان مطلوب حیات فردی و اجتماعی انسان یاد شده است. بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد در برخی آیات، از شهر با واژگانی همچون «مدینه» (14 بار) و «بلد» (9 بار) هر دو به معنی شهر و «بلده» (5 بار) به معنی شهر کوچک یاد شده است. آنچه در مورد ویژگی‌های شهر از منظر آیات قرآن دارای اهمیت است این نکته است که به نظر می‌رسد برخی از صفات در وصف شهر به کار رفته‌اند:

1. «امین»، در «هذا بلد الامین، این شهر (مکه) ایمن است» (التین: 3)؛ یعنی شهری ایمن و از «آمن»؛
2. «ثمرات» یعنی شهری دارای امنیت و مستعد برای زندگی در «إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ: و... ابراهیم گفت، پروردگارا این شهر را ایمن گردان و ساکنان آن را از «ثمرات» برخوردار ساز» (بقره: 126) که می‌توان ثمرات را به معنی فرزند و نسل و همچنین

دستاوردهای رفاهی انسانی و نعمات خداوندی تعبیر کرد؛

3. «آمن» و «أَجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ» در «وَأَذِّقْ آلَ إِبْرَاهِيمَ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ: ابراهیم (ع) فرمود پروردگارا این شهر را مکانی امن قرار ده و مرا و فرزندانم را از پرستش بت‌ها محفوظ بدار» (ابراهیم: 35)؛

4. «بلده طیبه» در «لَقَدْ كَانَ لِسَيِّدِي فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةً جِئْتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كَلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ. قطعاً برای [مردم] سبا در محل سکونت‌شان نشانه [رحمتی] بود دو باغستان از راست و چپ [به آنان گفتیم] از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید شهری است خوش و خدایی آمرزنده» (سبا: 15).

موارد برشمرده‌شده، ناظر بر نشانه‌هایی است که شهر را زیستگاه مطلوب انسان معرفی می‌کند. آنچه از ظاهر آیات شریفه برمی‌آید این است که اگرچه در معرفی شهر مطلوب اشاره به مصادیق خاص همانند مکه مکرمه و سبا دارد، اما برخورداری از صفاتی همانند امنیت و رفاه و امکان بقا و تکثیر نسل و محفوظبودن از بت‌پرستی که از شاخص‌های زیستگاه مطلوب مسلمانان است، در هر شهری به ظهور رسد، آنجا جایگاه مطلوب زندگی و دین‌داری خواهد بود؛ از این رو «جهان‌بینی توحیدی، اخلاق و رفتار اسلامی، و عمل و ارتباط اسلامی با عالم» از معیارهای تمایز شهر اسلامی از دیگر شهرها در جهان شناسایی شده است (برقی و تقدیسی، 1387: 126).

نکته سوم در این مقوله این است که اساساً دین اسلام نگرشی غایت‌گرایانه به حیات فردی و جمعی انسان دارد و از جمله این غایات «عمل صالح» و رسیدن به «حیات طیبه» است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ: هرکس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد» (النحل: 97). چنین غایاتی در سطح جمعی آن در شهرها امکان و زمینه ظهور بیشتری از دیگر سکونتگاه‌ها دارد. اگرچه عمل صالح اختصاص به محیط شهر ندارد، اما این شهرها هستند که استعداد و ظرفیت انسان را به‌طورکلی و مؤمنان را به‌طورخاص در اقدام به عمل صالح و پرهیز از ضد آن در رسیدن به «حیات طیبه» در بُعد فردی و جمعی آشکار می‌سازند. بر این اساس می‌توان گفت سکونتگاه‌های دیگر به غیر از شهر ظرفیت شکوفایی استعداد انسان را در دستیابی به «امنیت»، «ثمرات» و «دین‌داری» مطلوب ندارند؛ بنابراین برای

تعیین مکانِ مطلوبِ تحققِ اهداف و غایاتی که خداوند متعال برای انسان تعیین کرده است، جز شهر مکانِ مطلوبِ دیگری قابلِ تصور نیست.

3-6. فرایند شهری‌شدن و تحولات جهانی شهر

«شهری‌شدن» یعنی «فرایندی که طی آن عده فراوانی از مردم در مناطقی محدود متمرکز می‌شوند و شهری را شکل می‌دهند» (دایرةالمعارف بریتانیکا) با سرعت هرچه بیشتر ادامه دارد. از دهه 1980 در سطح جهانی، شکل نوینی از شهرها در حال پدیدارشدن است که ایده یوتویپایی شهری ایدئال را که آکنده از امید و شکوفایی اقتصادی و رشد علمی و فناوری است، به چالش کشیده است. روندها در ایران نیز به گونه‌ای در همین مسیر بوده است. طی پنجاه سال گذشته از شمار روستاها کاسته شده و بر تعداد شهرها افزوده شده است. بر اساس سرشماری سال 1345، تعداد شهرهای ایران 271 شهر بوده است که در سرشماری سال 1355، به 425، در سرشماری 1365 به 496، در سرشماری 1375 به 614، در سرشماری 1385 به 1014، در سال 1390 به 1139، در 1395 به 1245 و مطابق اظهار معاون عمران و توسعه شهری وزارت کشور، این عدد در حال حاضر به 1300 شهر رسیده است. در طول این مدت یعنی از 1355 تاکنون، عدد روستاها از 92007 به 37000 روستا کاهش یافته است (اقتصاد آنلاین، 1398/6/28).

طبق آمارهای اعلامی جهانی در سال 2010 جمعیت شهرنشین ایران به نسبت روستانشینان به بیش از 70/6 درصد رسیده است. بخش کشاورزی 21/2 درصد و بخش خدمات 46/5 درصد از کل نیروی کار شاغل کشور را به خود اختصاص داده است. بیکاری جوانان 28/8 درصد، میزان استفاده از اینترنت 39/4 درصد کل جمعیت و استفاده‌کنندگان از تلفن همراه 87/7 درصد به ازای هر 100 نفر هستند (گزارش توسعه ملل متحد، 2015). آمار نشان می‌دهد در ایران همانند بیشتر نقاط جهان، جمعیت شهری مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اصلی کالاها و خدمات هستند. فرایند شهری‌شدن شهرهای بزرگ، جهان را به مکان اصلی رشد و توسعه اقتصادی بدل می‌کند. این فرایند در کنار فرایند جهانی‌شدن و تغییر در فناوری تغییرات شگرفی را پدید آورده است که همه بر محور شهر و پویایی‌های درونی آن در حال شکل گرفتن است. مؤسسه بروکینز در گزارشی، اثرات این تغییرات را در مورد 123 شهر بزرگ جهانی بررسی کرده است که متأثر از این روندها نقش منحصربه‌فردی را در اقتصاد جهان از آن خود کرده‌اند (تروچیللو و پاریللا، 2016: 9).

4-6. انبوهی جمعیت

انبوهی جمعیت در شهرها عامل دیگری بر اهمیت این سکونتگاه در تمدن‌سازی و پیشرفت در جهان است. اگرچه کل شهرهای جهان تنها 2 درصد از مساحت زمین‌های قابل سکونت کره زمین را پوشانده‌اند، بر اساس برخی برآوردها بیش از 80 درصد مصرف انرژی در شهرها صورت می‌گیرد و بیش از 50 درصد جمعیت زمین - رقمی که طبق برآوردهای سازمان ملل در 2050 به 80 درصد خواهد رسید - ساکن شهرها هستند. مطابق برخی برآوردها، در سال 2017 بیش از 54 درصد جمعیت جهان در شهرها ساکن بوده‌اند. هم‌اینک بیش از 200 میلیون جمعیت زمین در 10 شهر بزرگ ساکن هستند. توکیو با جمعیتی بیش از 36 میلیون نفر در رأس 10 شهر بزرگ پُرجمعیت جهان قرار دارد. سایر شهرها به ترتیب شامل این شهرها می‌شوند: دهلی با بیش از 29 میلیون، شانگهای با بیش از 26 میلیون، سائوپائولو با بیش از 21 میلیون، مکزیکوسیتی با بیش از 21 میلیون، قاهره با بیش از 20 میلیون، داکا با بیش از 20 میلیون، بمبئی با بیش از 20 میلیون، بیجینگ (پکن) با بیش از 20 میلیون و اوزاکا با بیش از 19 میلیون. تهران در این رتبه‌بندی در ردیف سی و چهارم قرار دارد.

مطابق گزارش «چشم‌انداز شهری‌شدن جهان سال 2018» سازمان ملل متحد، از جمعیت 82012 میلیونی کشور، 61425 نفر در شهرها و 20578 نفر ساکن روستا بوده‌اند و درصد جمعیت شهری از کل جمعیت کشور 74/9 بوده است. این رقم با کاهش چشمگیر در نرخ رشد جمعیت کشور، در سال 2050 به 86 میلیون نفر خواهد رسید (چشم‌انداز شهری‌شدن جهان، نسخه‌بازبینی‌شده فایل 1 و فایل 2، 2018). مطابق پیش‌بینی‌ها در سال 2030 یک شهر بالای 10 میلیون (تهران) و 8 شهر از یک تا پنج میلیون، 12 شهر از 500 هزار تا یک میلیون و 13 شهر از 300 تا 500 هزار نفر در کشور خواهیم داشت (سازمان ملل متحد، پروفایل ایران، 2018).

4-6. تولید و تراکم ثروت

تولید و تراکم ثروت از لوازم و الزام‌های هرگونه پیشرفت تمدنی است و شهرها منبع و جایگاه اصلی تولید و تراکم آن هستند؛ اگرچه در اغلب مواقع، توزیع آن نابرابر است. صنایع، خدمات و تجارت به‌عنوان منابع اصلی ثروت در شهرها متراکم‌اند. طبق بررسی‌ها، هشت نفر از ثروتمندترین افراد روی زمین، ساکن شهرها هستند. بر اساس گزارش شبکه الجزیره در سال 2017، بیل گیتس و مایکل

بلومبرگ ثروتی بیش از نیمی از کل جمعیت کره زمین را در اختیار داشته‌اند. توکیو با تولید ناخالص داخلی (GDP) 1/52 تریلیون دلار، ثروتمندترین شهر جهان است و نیویورک با 1/21 تریلیون دلار در سال 2018 دومین شهر ثروتمند جهان بوده است. توکیو ثروتمندترین شهر جهان، 2068 کمپانی را در خود جای داده است. شهرهای بعدی از نظر درآمد سرانه عبارتند از: پکن با 613، پاریس با 205، لندن با 852، نیویورک با 324، مسکو در رتبه یازدهم با 128، و شهر میامی آمریکا با 45 کمپانی در رتبه بیست‌وپنجم قرار دارد (لیست 25 شهر برتر جهان از نظر تولید ناخالص داخلی گلوبال دیتا، 2018). نکته قابل توجه این است با تحولات پدیدآمده، دیگر اقتصاد جهانی از چند مرکز اصلی همانند لندن، توکیو و نیویورک مدیریت نمی‌شود. امروزه شبکه گسترده‌ای از شهرها در سراسر جهان هستند که هرکدام در اقتصاد جهانی در تولید کالا، خدمات و دانش و اطلاعات و ایده، سهم خاصی را به خود اختصاص داده‌اند.

6-6. دانش، فناوری، تاریخ‌سازی و ارتباطات

ساختار فضایی پدیده عجیب شهر، خود بیش از هر سازه تمدنی دیگری از معماری تا زیرساخت‌ها، متأثر از چیزهایی است که در درون این کالبد فضایی جغرافیایی قرار دارد؛ به عبارت دیگر ارزش‌های فرهنگی، نوآوری‌های فنی و تکنولوژیک زودتر از دیگر محیط‌ها در محیط شهر ظهور و نمود می‌یابد و این تغییرات به همراه خود پیچیدگی و تنوع بیشتری را در روابط و مناسبات و مختصات رفتار و عمل فردی و اجتماعی و نهادی - سازمانی به‌ویژه در عرصه امنیت و انتظام اجتماعی ایجاد می‌کند. وضعیت حاصل‌شده نوین در حال و آینده، شهرها را به سازه‌هایی پویا، پیش‌بینی‌ناپذیر و به‌سختی قابل‌کنترل در حال و آینده تبدیل می‌کند (www.urbandesign.org).

از سویی انقلاب در فناوری‌ها و پیشرفت‌های فنی و تکنولوژیک و وابستگی‌های ساختاری اقتصادی و سیاسی شهرها با پیرامون خود، وضعیتی را ایجاد کرده که مدت‌هاست شهرها را از حصارهای بلند و برج‌و باروهای اطراف آن خارج ساخته است و در گستره و وسعت، آن‌ها از شهرهای کوچک به متوسط و به کلان‌شهر، و از نظر ارتباط از شهرهای محلی به ملی و هم‌اکنون به جهانی تبدیل کرده است. امروزه از پدیده‌ای به نام «جهان‌شهر» نام برده می‌شود؛ یعنی شهرهایی که در ماهیت و ارتباطات و حتی هویت، ماهیتی جهانی پیدا کرده‌اند. گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، اساس تحول این گونه نوین از شهرهای جهانی است. دیجیتالی شدن امور واقعیت شهرهای نوین است و آنچه

در این عرصه تعیین‌کننده است، دسترسی به اطلاعات است که لازمه آن آموزش و ورزیدگی در دانش‌های نوین است و پیامدها و عوارض خاصی را از جمله تغییر در روابط و مناسبات انسانی و قطبی شدن بیش از پیش اقتصاد و اجتماع شهری به همراه خواهد داشت (هال، 2014: 449-446).

شهرها حتی با پیدایش فضای مجازی که فرصت زیست از گونه‌ای دیگر را به انسان داده است، همچنان اهمیت خود را حفظ کرده‌اند. روابط و مناسبات دنیای واقعی و حتی مناسبات فضاهای مجازی بر بدنه و هویت روابط و مناسبات شهری شکل گرفته و در درون شهرها سامان می‌یابد. در وضعیت کنونی روابط بین شهرها و زیرساخت‌های اساسی، ماهیت سیاسی یافته و شهرها به شبکه گسترده‌ای از روابط تکنیکی - اجتماعی تبدیل شده‌اند که مفهوم شهر و تلقی از الزام‌های آن همانند نظم و امنیت و دیگر مسائل مرتبط و همچنین تلقی از خود شهر را تغییر داده است (جیلینگ و مؤسس، 2016: 99-96).

شهرها هم‌اکنون به موجودیت‌هایی تاریخ‌ساز تبدیل شده‌اند. تاریخ قسمت عمده‌ای از جهان در قرن بیستم در شهرهای بزرگ رقم خورده است و در قرن 21 نیز چنین خواهد بود (ملوسی، 2019: 295).

این روند در مورد شهرهای ایران نیز مشهود بوده است. تحولات عمده سیاسی و اجتماعی اثرگذار بر تاریخ ایران و تاریخ تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی در شهرهای بزرگی همچون تهران، تبریز، شیراز و مشهد و قم رقم خورده است. شهرها امروزه به دلیل ویژگی‌هایشان به بازیگران عمده سیاست‌ساز و سیاست‌گذار داخلی و بین‌المللی تبدیل شده‌اند. دیپلماسی شهری گونه نوینی از ارتباطات سیاسی است که بر محور نقش سیاسی و اقتصادی شهرها در حال شکل‌گیری است. شهرداران، نمایندگان شوراهای شهر، سازمان‌های مردم‌نهاد و حتی شهروندان، بازیگران این عرصه از دیپلماسی هستند (زرقانی و همکاران، 1393: 170).

هم‌اکنون تهران با چهارده شهر که بیشتر پایتخت کشورها هستند، روابط پیمان‌های خواهرخواندگی دارد و با شش شهر از جمله سن‌پترزبورگ تفاهم‌نامه همکاری امضا کرده است. همچنین تهران عضو انجمن متروپلیس‌های جهان، عضو مجمع شهرداران آسیایی، عضو سازمان شهرها و پایتخت‌های اسلامی، و عضو شبکه سیتی‌نت است (دهشیری و خرمی، 1397: 105).

6-7. برنامه‌های شهر پایه پیشرفت در ایران

چنانچه به تعبیر ابن‌خلدون، شهرها و تمدن‌های باستانی نتیجه تغییرات و تحولات طبیعی در تمایلات انسان بوده است، شهرهای جهان کنونی در هویت خود متأثر از ایده‌ها و اندیشه‌هایی هستند که مدت‌ها پیش ارائه شده‌اند. آرمان‌شهرها که در قالب ایده‌هایی هرچند انتزاعی توسط برخی اندیشمندان تبیین

شده است، در عمل راهنمای مؤثری در هویت‌یابی شهرها بوده‌اند. پیتر هال اندیشه‌ورزانی را که اندیشه‌های آن‌ها بر الگوهای شهرسازی نوین اثر گذاشته‌اند و شهرهایی را که بر بنیان ایده‌ها و اندیشه‌های آن‌ها ساخته شده‌اند از 1880 میلادی تاکنون مورد بررسی قرار داده است (هال، 2014: 2). در جهان اسلام و حوزه تمدن ایرانی آنچه در تحولات تمدن اسلامی رخ داده این است که ایده آرمان‌شهر اسلامی - ایرانی متأثر از ایده آرمان‌شهر یونانی و ایده «شهر آینده» متفکران مدرن و به‌ویژه متفکران اروپایی بوده است (اکوچیکان، 1387: 17).

الگوهای پیشرفت در ایران همواره شهرپایه بوده‌اند و حکومت‌ها نقش اصلی در آن داشته‌اند. اصفهان، شیراز، تبریز، اردبیل و قزوین و همچنین دیگر کلان‌شهرهای کنونی پیشرفت و تکامل خود را مرهون اقدامات حکومت مرکزی یا حکام محلی هستند. البته در ایران معاصر، الگوی پیشرفت بر محور مرکز و از آنجا به دیگر نقاط بوده است؛ از این‌رو تهران همواره در کانون تحولات مرتبط با الگوهای پیشرفت بوده است.

برنامه‌ها و الگوهای پیشرفت در تهران از زمانی که توسط آغامحمدخان قاجار در سال 1609 مرکز کشور شد، آغاز و با تحولات و تغییراتی تاکنون ادامه یافته است. برنامه‌ریزی نوین و مطابق با دانش نوین شهرسازی به طراحی، تدوین و اجرای نخستین برنامه طرح جامع شهر تهران در سال 1345 بازمی‌گردد. این برنامه که توسط مؤسسه عبدالعزیز فرمانفرمایان و مؤسسه ویکتور گروئن طراحی و تدوین شده بود، مطالعات گسترده‌ای را درباره شهر تهران، آینده آن و الزام‌ها و لوازم توسعه و سامان‌دهی شهر انجام داده است. در این سند، در ارزیابی وضعیت تهران در مقایسه با سایر پایتخت‌های تاریخی مشابه آمده است که «تهران نه تنها ویژگی‌ها و مشخصه‌های تاریخی شهرهایی مانند رم و لندن را ندارد بلکه سیمای کنترل‌شده و اشینگتن و کانبرا را نیز واجد نیست». همچنین از تهران به‌مثابه شهری «سریع‌التوسعه» یاد شده است که با معضلاتی چون ازدحام و تراکم زیاد به‌ویژه در مرکز شهر، گسترش مراکز تجاری در کنار جاده‌های اصلی، آلودگی هوا، تأسیسات ناقص و ناکافی، بیکاری مزمن و شدید در قسمت‌های کم‌درآمد شهری، و مهاجرت مداوم جمعیت کم‌درآمد مواجه است (فرمانفرمایان و همکاران، 1347: فصل اول: 7).

وضع ایدئال طراحی شده برای تهران در 25 سال آینده این است که این شهر با هویت سیاسی، تجاری و صنعتی و دارای «سیمایی باشکوه» بر اساس الگوی شهرهای تاریخی مدرن جهان همانند

شهر؛ مکانِ مطلوبِ تمدن‌سازی در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی

پاریس، لندن و واشینگتن با فرهنگ و مناسبات خاص این گونه شهرها تبدیل خواهد شد. بر این اساس، تغییر شکل سیمای فعلی شهر با ایجاد عمارات مهم، فضاهای باز، احداث خطوط عابرین، و حفظ آثار و ابنیه تاریخی، همراه با توجه به امکانات مناطق جدید توسعه از نظر بصری و بافت آن‌ها و حداکثر استفاده از کوهستان‌ها، دره‌ها و جنگل‌های مصنوعی برای رسیدن به سیمای مدرن مطلوب آن صورت خواهد گرفت (فرمانفرمایان و همکاران، 1347: فصل اول: 6). در این برنامه، الگوی توسعه خطی، الگوی مطلوب توسعه تهران در نظر گرفته شده است. بر اساس این الگو، شهر تهران با تمرکززدایی از مرکز و جنوب شهر و با احداث مراکز متمایز مسکونی بر مبنای درآمد، با حفظ مراکز اصلی موجود و هفت مرکز بزرگ منطقه‌ای - تجاری که هرکدام جمعیتی حدود 500 هزار نفر را پوشش خواهند داد و هر مرکز تأسیسات خرده‌فروشی، دفاتر تجاری، [اماکن] تفریحی، سازمان‌های دولتی، هتل و غیره خواهند داشت و چهار منطقه صنعتی با وسعتی حدود 3500 هکتار پیش‌بینی شده است (فرمانفرمایان و همکاران، 1347: فصل اول: 12-13).

تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران، برنامه‌ریزی شهری در تهران بر اساس این طرح بود. از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال 1366، شهر بدون برنامه خاصی به گسترش خود ادامه داده است. در این سال بر اساس تصمیم شورای نظارت بر گسترش شهر تهران، طرح سامان‌دهی تهران در دستورکار قرار گرفت. طرح جدید بدون توجه به ابعاد هویتی شهر و با تمرکز بر معضلات جاری آن و به‌ویژه تراکم جمعیت در شهر، توسعه شهری بلندمدت تهران را بر اساس احداث پنج شهر جدید (هشتگرد، پرنده، اشتهارد، زاویه و پردیس) پیشنهاد داد. این طرح، توسعه میان‌مدت و حل بحران و فشردگی مرکز شهر از خدمات، ترافیک و جمعیت را در شکافتن هسته مرکزی شهر به پنج حوزه شهری مستقل و هدایت برنامه‌های خدماتی به این حوزه‌ها تا سال 1375 تعریف کرده بود (مجلسی، 1371: 2-3). این طرح در اجرا با موانعی مواجه شد و در عمل کنار گذاشته شد.

طرح جامع بعدی در 1385 تدوین شد. در این طرح، بر اساس توجه به سه نقش ملی، منطقه‌ای و شهری برای تهران، سیمای تهران ترسیم می‌شود. تهران در افق چشم‌انداز آینده، متناسب با برنامه چشم‌انداز کشور، شهری با «اصالت و هویت ایرانی اسلامی»، «دانش‌پایه، هوشمند و جهانی»، «سبز و زیبا»، «امن» در برابر آسیب‌ها و «مقاوم» در برابر مخاطرات، «مرفه» و برخوردار از زیرساخت‌های لازم برای «تعدیل نابرابری و تأمین همگانی حقوق شهروندی»، «کلان‌شهری با عملکردهای ملی و جهانی و مرکزیت‌های سیاسی،

فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور در منطقه آسیای جنوب غربی و کشورهای اسلامی» معرفی شده است (طرح جامع تهران، 1385: 22). این طرح نیز سرانجام مورد تأیید قرار نگرفت و یک سال بعد با تعدیل‌هایی در مباحث و تغییراتی در چشم‌انداز و دیگر اجزا، در نهایت با عنوان «طرح جامع شهر تهران؛ طرح راهبردی - ساختاری توسعه و عمران شهر تهران (سند اصلی)» در سال 1386 مورد تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری قرار گرفت و از تاریخ 1387/2/30 توسط شهردار تهران برای اجرا به شهرداران مناطق بیست‌گانه تهران ابلاغ شد. این طرح، چشم‌انداز توسعه بلندمدت تهران را که «سیمای مطلوب شهر در افق طرح و میثاقی برای توسعه پایدار کلان‌شهر تهران و پایتخت کشور» است «هماهنگ با چشم‌انداز بیست‌ساله کشور» تعریف می‌کند. همچنین تهران «شهری با اصالت و هویت ایرانی - اسلامی (شهری که برای رشد و تعالی انسان و حیات طیبه سامان می‌یابد)»، «شهری دانش‌پایه، هوشمند و جهانی» و «کلان‌شهری با عملکردهای ملی و جهانی با اقتصادی مدرن و مرکزیت امور فرهنگی - پژوهشی و سیاسی در سطح کشور، و حداقل یکی از سه شهر مهم و برتر منطقه آسیای جنوب غربی» با برخی صفات دیگر تعریف شده است (طرح راهبردی - ساختاری توسعه و عمران شهر تهران، طرح جامع تهران، 1386).

اشاره به نقش جهانی شهر، ابعاد هویتی و حیات طیبه به همراه دانش و هوشمندی، مؤلفه‌هایی هستند که باید در تعریف شهر در نظر گرفته شوند. تحول الگووار پیشرفت و توسعه برنامه‌ریزی‌شده شهری نشان می‌دهد سرانجام طرح اخیر - دست‌کم در سطح ایده - نوعی وفاق میان هویت‌های «معنایی، عملکردی و هویت کالبدی» شهر (نصر و ماجدی، 1392: 271) ایجاد شده است. اگرچه ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌های مفاهیم هویتی و فناورانه آن تعریف نشده است و راهکار منجزی نیز برای اجرا و تحقق آن پیشنهاد نشده است، ولی طرح اخیر این امتیاز را دارد که نگرش بومی در سامان‌دهی به شهر و ابعاد کالبدی آن مورد توجه قرار گرفته است.

7. نتیجه‌گیری

تاریخ جوامع بشری نشان می‌دهد پس از شهرها تاکنون سازه‌ای نتوانسته است گاهواره تمدن انسانی باشد. گویی انسان پیشرفت‌های تمدنی خود را در درون همین سازه جست‌وجو می‌کند و در مسیر تحقق پیشرفت خود، همین سازه را مناسب دیده است؛ از این رو هویت هر شهر نشان‌دهنده‌هایی است که شهر بازنمای آن است و ایده‌ها نشانگر آرزوها، آمال و نیازهای افراد با فرهنگ‌ها و نظام‌های اعتقادی

مختلف است. شهرها در واقع ماهیت، شاکله، نهادها، ارتباطات، امور و ساختارهایی هستند که بر زیست فردی و اجتماعی آن حاکم است، و مکان و فضا و محیط ساخت و پردازش تمدن و اجزای آن به شمار می‌رود. پیشرفت تمدنی در مکانی بهتر از شهرها قابل مشاهده و سنجش نیست.

تجربه تاریخ نشان داده است ایده‌های پیشرفت اغلب بر محور تغییرات و تحولاتی صورت‌بندی شده است که در شهرها رخ داده یا در اجرای ایده‌هایی بوده است که در فضای شهرها متعین شده، به واقعیت پیوسته و به ثمر نشست است. شهرها هم مکان وقوع و هم شاخص و هم زمینه‌ساز و جهت‌دهنده به پیشرفت هستند. با مشاهده تصاویر گذشته و سیمای کنونی شهرها، پیشرفت تمدنی در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و هنری آن ادراک می‌شود. شهر فضای اصلی فعالیت جمعی انسان‌هاست. روابط و مناسبات پیچیده در شهرها امکان‌پذیر می‌شود. ابداعات، ابتکارها، اختراعات، علم و فناوری اغلب پدیده‌هایی شهری‌اند. شهرها واحدهای اصلی واقعی فعالیت انسان‌ها به شمار می‌روند. شهرها به نظام‌های تکنیکی - اجتماعی شکل می‌دهند و به طور متقابل، این نظام‌ها بر فرایندهای رشد و توسعه و پیچیدگی مناسبات انسان‌ها بر خود و محیط اثر می‌گذارند. تمدن‌ها در نسبت با مختصات شهرها تعریف شده و می‌شوند. اینکه چه نگرشی به پیشرفت و چه تعریفی از شهر داشته باشیم، هر دو حائز اهمیت است. در الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی و سند پایه آن و دیگر اسناد مربوطه، تحقق و اجرای ایده‌ها مورد بحث واقع نشده است. از سوی دیگر برنامه‌های توسعه شهری و طرح‌های جامع آن توجهی به وجوه کلان پیشرفت ندارند و شهر را عنصری مجزا با هویتی مستقل در نظر گرفته‌اند.

هدف این پژوهش، نشان‌دادن اهمیت و جایگاه شهر به‌عنوان مکان مطلوب تحقق ایده‌های پیشرفت تمدنی در ایران است. تجربه تمدن بشری، آموزه‌های اسلامی، کارکردها و نقش شهر در تولید و تحقق و بازسازی تمدن نشان می‌دهد شهر سازه مطلوب اجرای الگوی پیشرفت است؛ از این‌رو در تعریف شهر در الگوی پیشرفت تمدنی اسلامی ایرانی، علاوه بر عناصر نوعی همانند مختصات محیطی و جغرافیایی و مکانی شهر و کارکردها و معضلات حال و وضعیت آن که در تأسیس یا نوسازی یا گسترش شهر لازم است، توجه به برخی عناصر و ویژگی‌های کیفی همانند جهان‌بینی و هویت و همچنین استعداد و ظرفیت مکانی و اصالت شهر به نسبت دیگر سازه‌ها، برای متجلی‌ساختن آرمان‌های فردی و مدنی اسلامی، برای انسان نیز ضروری است؛ از این‌رو توجه به آنچه در تجربه زیسته جهانی و

مسلمانان و همچنین تجربه ایرانیان از گذشته تاکنون در تأسیس شهر یا بازسازی و نوسازی حاصل شده است، کافی نیست.

اینکه شهر مکانِ مطلوبی برای تحقق آرمان‌های کلان ملی است، نیز اهمیت دارد. در طراحی الگوهای کلان ملی لازم است از مرحله ایده تا اجرا همواره به مکان اجرای آن که شهر است و ویژگی‌ها، کارکردها و هویت این سازه توجه شود. از آنجاکه شهرها علاوه بر وجوه نوعی، وجوه اختصاصی نیز دارند، نوعی تقسیم کار و نقش در اجرای الگوی پیشرفت میان شهرها لازم است. ممکن است در این مسیر، حتی شهرهای جدیدی ساخته شوند و یا شهرهای کنونی به گونه‌ای نوسازی یا بازسازی شوند که با اهداف و آرمان‌های الگوی پیشرفت سازگار شوند. در طراحی الگوی پیشرفت، احصای وضعیت موجود شهرها و ظرفیت و نقشی که هر یک باید در این الگو داشته باشند، از الزام‌های هرگونه طراحی و برنامه‌ریزی در این زمینه است. در این صورت می‌توان شهر مطلوب در الگوی پیشرفت تمدنی ایرانی اسلامی را این‌گونه تعریف کرد: شهر سکونتگاهی است مبتنی بر آموزه‌ها و دستورات دینی و جهان‌بینی اسلامی در کالبد، هویت، فضا، ارتباطات، نهادها و سازمان‌ها با جمعیتی نسبتاً زیاد، برخوردار از رفاه و امنیت و با فناوری‌ها و دانش‌ها، و دیگر امکانات لازم برای تحقق حیات طیبه انسانی منطبق با شرایط زمانی، جغرافیایی و زیست فردی و جمعی. در مورد این تعریف دو نکته یادآوری می‌شود:

1. ابتدای شهر بر آموزه‌ها و دستورات دینی و جهان‌بینی اسلامی از این‌روست که تمدن‌ها و سازه مطلوب آن‌ها یعنی شهر، بر نوعی جهان‌بینی خواه انسانی یا الهی بنا می‌شوند. جهان‌بینی اسلامی برای انسان و حیات فردی و جمعی او غایات و اهداف آن و شیوه تعامل انسان‌ها با یکدیگر به‌طورعام، و برای مسلمانان و مؤمنان به‌طورخاص آموزه‌ها و دستوراتی دارد که با دیگر جهان‌بینی‌ها متفاوت است و این تفاوت‌ها، اجتماع مسلمانان و مکان زیست آن‌ها را به‌وضوح از امکانی که برگرفته از آموزه‌های دیگر جهان‌بینی‌ها ساخته شده است، متمایز می‌سازد؛ از سوی دیگر اجرا و عمل به این دستورات و آموزه‌ها حیات مطلوب انسان و فلسفه وجودی خلقت انسان توسط خداوند متعال را متجلی می‌سازد.
2. انطباق با شرایط زمانی، جغرافیایی و زیست فردی و جمعی از این‌روست که مسلمانان در دیگر کشورهای اسلامی و در ایران، برخوردار از تجربه و سابقه تاریخی خاص خود هستند و در عین اعتقاد و عمل به آموزه‌های اسلامی، شرایط زیست فردی و جمعی و سطح پیشرفت تمدنی و اقلیم و

جغرافیایی واحدی ندارند. از سوی دیگر، سابقه تاریخی و تجربه تمدن‌سازی گذشته را نمی‌توان نفی کرد یا نادیده گرفت. از جمله خصلت تمدن‌های بزرگ همانند تمدن اسلامی که برخلاف تمدن‌های کوچک که در درون یک کشور یا شهر محبوس بوده و اغلب طی زمان ناپدید شده‌اند، این است که این تمدن‌ها همواره در حال بسط و شکوفایی و تحول و پیشرفت‌اند و نوعی گفت‌وگوی دائمی درونی با گذشته و آرمان‌ها و تجربیات، و همچنین با جهان پیرامون و هویت و امکانات و تجربیات آن جریان دارد. به همین دلیل صورت‌های نوین این تمدن‌ها بازسازی یا نوسازی و روزآمدشده صورت گذشته آن‌هاست. بر این اساس، شهرهای تمدنی موجود که وارث تجربه‌ها و پیوند با گذشته‌اند، همواره بازسازی و نوسازی می‌شوند و ابتنای شهرهای نوین نیز از این قاعده یعنی اثرپذیری از گذشته و الهام از آرمان‌ها مستثنی نیستند و نمی‌توانند باشند؛ هرچند در ساختن آن‌ها آزادی عمل بیشتری وجود دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم

آکوچیکان، احمد (1387)، «از آرمان شهر فلسفی تا آرمان شهر توسعه‌ای»، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، به اهتمام علی اصغر منتظر قائم، دانشگاه اصفهان.
ابن خلدون، عبدالرحمان بن (1390)، مقدمه ابن خلدون، جلد دوم، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ نخست، 1336، انتشار الکترونیکی 1390.

ادیبی، حسین (1355)، «تعریف شهر»، نامه علوم اجتماعی، شماره 6، صص 22-33.
برقی، حمید؛ تقدیسی، احمد (1387)، «بررسی چگونگی شهر اسلامی و ویژگی‌های آن»، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، به اهتمام علی اصغر منتظر قائم، دانشگاه اصفهان.

بهن، شعیب (1397)، «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه علمی پژوهشی نظریه‌های متفکران مسلمان، سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص 9-35.
شریفی، عبدالجلیل و همکاران (1396)، «جایگاه مدیریت شهری در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، فصلنامه مدیریت شهری نوین، سال پنجم، شماره 17، تابستان.

جمشیدی‌ها، محمد؛ زائری، قاسم (1378)، «سیاست‌گذاری فرهنگی پیامبر اکرم (ص) و تأثیر آن بر موقعیت فرهنگی - اجتماعی زنان در زیست جهان جاهلی»، پژوهش زنان، دوره 6، شماره 4، زمستان.

جوهری، مجید و همکاران (1396)، «نقش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در تقویت پیوندهای روستایی - شهری، مطالعه موردی شهرستان شهرضا»، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، سال هفتم، شماره اول، (پیاپی 24)، بهار، صص 80-95.

ستاری ساربانقلی، حسن؛ ذبیحی، حسین (1388)، «نگرشی بر مفاهیم مدیریت شهری حضرت رسول اکرم (ص) در شهر مدینه؛ تجلی زیبای مدیریت شهری در اسلام»، فراسوی مدیریت، سال سوم، شماره 10، پاییز، صص 105-146.

دهشیری، محمدرضا؛ خرمی، مصطفی (1397)، «تجزیه و تحلیل جایگاه دیپلماسی شهری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال 32، شماره 1، بهار، صص 87-122.

زرقانی، سید هادی و همکاران (1393)، «دیپلماسی شهری، تحلیل نقش شهرها به‌عنوان بازیگر جدید عرصه روابط بین‌الملل»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال پنجم، شماره بیستم، بهار، صص 163-182.

ستاری ساربانقلی، حسن (1390)، «اصول مدیریت شهری و شهرسازی رسول اکرم (ص) در مدینه النبی»، معرفت، سال 20، شماره 171، صص 14-21.

سند اصلی طرح راهبردی - ساختاری توسعه و عمران شهر تهران (طرح جامع تهران 1386)، مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران.

شهر؛ مکانِ مطلوبِ تمدن‌سازی در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی

- شفقی، سیروس (1378)، «پیش‌درآمدی بر شهر اسلامی و افتراق آن با شهر غربی»، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، به اهتمام علی‌اصغر منتظر قائم، دانشگاه اصفهان.
- عظیمی، کاظم (1389)، «درآمدی بر فرهنگ مهدویت و عناصر آن»، دین و ارتباطات، شماره اول و دوم (پیاپی)، صص 141-168.
- فرمانفرمایان، عبدالعزیز؛ مؤسسه ویکتور گروئن، مهندسان مشاور (1347)، طرح جامع تهران مرحله دوم، سازمان برنامه.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، مصوب 1362/04/15.
- مجلسی، نصرت‌الله و همکاران (1371)، طرح سامان‌دهی تهران، مهندسان مشاور آتک.
- مختاریان‌پور، مجید (1395)، «مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، دوفصلنامه علمی پژوهشی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال چهارم، شماره هشتم، پاییز و زمستان، صص 30-10.
- میرمعزی، سید محمد (1393)، «مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، 1393/4/6، <http://olgou.org/interviews>، بازدید: 1398/12/17.
- نصر، طاهره؛ ماجدی، حمید (1392)، «نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی»، معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره 11، پاییز و زمستان، صص 269-277.
- نقی‌زاده، محمد (1381)، «تأثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگی»، هنرهای زیبا، شماره 11، تابستان، صص 62-67.
- نقی‌زاده، محمد (1394)، «تبیین جایگاه علوم انسانی اسلامی در ترسیم فضای شهری متناسب با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، مجموعه مقالات نخستین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، دوره اول، شماره 3، صص 507-540.
- Captivating History (2018), "Sumerians: A Captivating Guide to Ancient Sumerian History, Sumerian Mythology and the Mesopotamian Empire of the Sumer Civilization", Kindle Edition, ASIN: B07CR3VK3T.
- Cox, Robert (2020), "Civilizations and the twenty-first century: some theoretical considerations" in Mozaffari, Mehdi, Edited (2002), Globalization and Civilizations, London, Routledge, pp. 1-24.
- Falahat, Somaiyeh (2014), Re-imaging the City, A New Conceptualization of the Urban logic of Islamic City, Springer.
- Gailing, Ludger, Mosses, Timothy (eds), (2016), Conceptualizing Germany's Energy Transition; Institution, Materiality, Power, Space, Palgrave macmilan, London.
- Genta, Giancarlo, Paolo Riberi (2019), Technology and the Growth of Civilization, Springer International Publishing.
- Global Data (2018), "Tokyo tops Global Data's list of top 25 cities by GDP in 2018", <https://www.globaldata.com/tokyo-tops-global-datas-list-of-top-25-cities-by-gdp-in-2018/> Visited: 20/02/28.
- Goldfarb, Robert S., Ratner, Jon (2008), "Theory" and "Models", Terminology Through the Looking Glass", Econ Journal Watch, Vol. 5, No. 1, January, pp. 91-108.
- Goldman, Samuel (2018), Reviewed, "A Road to Nowhere: The Idea of Progress and Its Critics", by Matthew Slaboch, Pennsylvania: University of Pennsylvania Press (2018),

- Political Theory, Vol. 47, issue: 4, pp: 607-612.
- Hall, Peter (2014), *Cities of Tomorrow, An Intellectual History of Urban Planning and Design Since 1880*, Forth Edition, Wiley Blackwell.
- Lempert, David (2014), "What is Development? What Is Progress? The Social Science and Humanities of Utopia and Futurology", *Journal of Developing Societies*, Vol. 30, No. 2, pp. 223-241.
- Melosi, Martin V (2019), "Spatial, Temporal, and Institutional Influences in New World Cities", John Tutino and Martin V. Melosi, *New World Cities; Challenges of Urbanization and Globalization in the Americas*, University of North Carolina Press Chapel Hill, pp. 295-319.
- Mozaffari, Mehdi (2002), "Globalization, civilizations and world order: a world-constructivist approach", *Globalization and Civilizations*, London, Routledge, pp. 24-54.
- Nasr, Seyyed Hossein (2007), *Science and Civilization in Islam*, Kazi Publications.
- Nisbet, Robert (1979), "Idea of Progress", *Literature of Liberty: A Review of Contemporary Liberal Thought*, Vol. II, No. 1, January/March, pp. 7-38.
- Painter, George (1922), "The Idea of Progress", *The American journal of Sociology*, Vol. 28, No. 3, pp. 257-282.
- Robinson, Andrew (2019), "A richly illustrated volume reveal what life was like in the worlds first city", 18, November, <https://blogs.sciencemag.org/books/11/18/uruk-first-city-of-ancient-world/>
- Robison, Chase F (2006), *Empire and Elites after the Muslim Conquest, the Transformation of Northern Mesopotamia*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Roche, Stephane (2014), "Geographic Information Science I: Why does a smart city need to be spatially enabled?", *Progress in Human Geography*, published online, 7 February, 2014. DOI: 10.1177/0309132513517365, pp 1-9 and; "World City Populations 2019", *World Population Review*, 2019. <http://worldpopulationreview.com/world-cities/>.visited:19/09/2019.
- Smartcitynews.global, 17, 1, 2017, "Richest City in the World", <http://worldpopulationreview.com/world-cities/.visited:19/09/2019>.
- Trujillo, Jesus Leal, Parilla (2016), *Economics, Redefining Global Cities; the Seven Type of Global Metro*, The Brookings Institution.
- UNDP (2016), *Human Development Report 2015; Briefing note for countries on the 2015 Human Development Report Iran (Islamic Republic of)*, http://hdr.undp.org/sites/all/themes/hdr_theme/country-notes/IRN.pdf, Date accessed: 10 Jan.2017.
- United Nations, Department of Economic and Social Affairs, (2018), Population Division, "The World's Cities in 2018-Data", Booklet (ST/ESA/SER.A/417).
- UNDP (2016), *Human Development Report 2015; Briefing note for countries on the 2015 Human Development Report Iran (Islamic Republic of)*, http://hdr.undp.org/sites/all/themes/hdr_theme/country-notes/IRAN.pdf, Date accessed: 10 Jan. 2017.
- United Nations, Division Department of Economic and Social Affairs (2018), *World Urbanization Prospects: The 2018 Revision File 1: Population of Urban and Rural Areas at Mid-Year (thousands) and Percentage Urban, 2018*, pop/db/wup/rev.2018/1/f01.
- United Nations, Population Division Department of Economic and Social Affairs (2018), *World Urbanization Prospects: The 2018 Revision File 2: Percentage of Population at Mid-Year Residing in Urban Areas by Region, Subregion, Country and Area, 1950-2050*, pop/db/wup/rev.2018/1/f02
- United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2018), *World Urbanization Prospects: The 2018 Revision Country profile, Iran*, www.urbandesign.org.
- Yoffee, Norman (2004), *Archaic State; Evolution of the Earliest Cities, States, and Civilizations*, Cambridge University Press.

ریکلوومی

اسلید مجری

پریمر